

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرکز حقایق اسلامی

تحت اشراف حضرت آیت الله سید علی میلانی حفظه الله

<http://www.alhaqaeq.org>

بررسی مصداق آیه «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» از منظر فریقین

حسین غفوریان<sup>۱</sup>

## چکیده

یکی از آیات مورد تنازع بین مفسران آیات پایانی سوره رعد به ویژه آیه «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» است که مفسران برای تعیین مصداق آن بسیار تلاش کرده اند. سؤال و دغدغه اصلی این است که مصداق واقعی از این فراز آیه کیست؟ برای یافتن پاسخ این پرسش پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با جستجو در کتب تفسیری اهل سنت گردآوری شده است.

کلیدواژگان: علم الکتاب، امیرالمؤمنین علیه السلام، مفسران اهل سنت، عبدالله بن سلام

---

<sup>۱</sup> امامت پژوه مرکز حقایق اسلامی

## مقدمه:

از جمله فضائل خاص و منحصر به فرد حضرت امیر علیه السلام، نزول آیات فراوانی از قرآن است که در تمجید و مدح از ایشان نازل شده است. از جمله ی این آیات، آیه آخر (آیه ۴۳) سوره مبارکه رعد است. خداوند در این آیه با شهادت دادن خود و کسی که علم کتاب نزد اوست، شبهة انکار اصل رسالت را پاسخ داده و در نتیجه نبوت پیامبر صلی الله علیه وآله را به اثبات می رساند:

«وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»

«و کسانی که کافر شدند می گویند: تو فرستاده نیستی. بگو: کافی است خدا و آن کس که نزد او علم

کتاب است، میان من و شما گواه باشد»

بر اساس آنچه در تفاسیر شیعه آمده، مراد از فقره «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» حضرت امیرالمومنین علیه السلام است.

## چند نکته مهم در مورد دلالت این آیه:

۱- از حضرت امیر علیه السلام در کنار خداوند یاد شده است که بر حقانیت رسالت رسول اکرم صلی الله علیه و آله گواهی می دهد و نکته مهمتر اینکه اعلام شده این دو گواهی برای اثبات مدعا کافی است! این آیه از این جهت شبیه آیه ۴ سوره تحریم است که از حضرت امیرالمومنین علیه السلام با عنوان «صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ»

و در کنار نام خداوند و جبرئیل یاد شده که از رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر توطئه دو همسر آن حضرت، حمایت و پشتیبانی می‌کنند.<sup>۲</sup>

۲- در قضاوت‌های متعارف، حداقل وجود دو شاهد ضروری است زیرا با شهادت یک فرد، علم عادی حاصل نمی‌شود؛ یعنی شهادت یک نفر ناقص است که با ضمیمه فرد دوم شهادت او کامل می‌شود، یا به تعبیر دیگر از ضمّ دو شهادت ناقص، شهادت کامل به وجود می‌آید؛ ولی در شهادت خداوند متعال نقصی وجود ندارد تا نیازی به ضمیمه شهادت دوم باشد. پس شهادت خداوند مسلماً شهادت قطعی و کامل می‌باشد. در نتیجه، شهادت کسی که علم کتاب نزد اوست نیز باید شهادت قطعی و کامل باشد؛ زیرا با شهادت خداوند متعال علم حاصل می‌شود و اگر شهادت فرد دوم ناقص باشد، معنایی ندارد که به شهادت کامل ضمیمه گردد؛ چون با وجود شهادت قطعی و علم آور، کسی به دنبال شهادت ظنی نمی‌رود. پس معلوم می‌شود که شهادت خداوند و (وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) از قبیل ضمیمه برهان و دلیل مستقل به برهان مستقل دیگر می‌باشد، که وجود هر یک برای اثبات مدعا کافی است.<sup>۳</sup>

۳- در این آیه، از حضرت امیرالمومنین علیه السلام به عنوان کسی یاد شده که علم کتاب به او داده شده است و از آن جا که بر اساس قاعده بلاغی، اضافه اسم نکره (علم) به اسم محلی به لام (الکتاب)، افاده عموم می‌کند، از این آیه استفاده می‌شود که علم همه کتاب به آن حضرت ارزانی شده است. درباره آنکه مراد از علم در این آیه چیست، اختلافاتی در میان مفسران به چشم می‌خورد، با این حال همه اذعان دارند که این علم از

---

<sup>۲</sup>. «إِنْ تَوَبَّا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ»

<sup>۳</sup>. مصباح الهدایه فی تحقیق الولایه، بهبهانی، ج ۱، ص ۴۶

مقوله علوم ظاهری نیست، بلکه علمی است که آگاهی از اسرار عالم و توان تصرف در هستی، از جمله شئون آن است.

۴- اهمیت این آیه از آن جهت است که در سوره مبارکه نمل آیه ۴۰، از وصی سلیمان نبی علیه السلام یعنی آصف بن برخیا، به عنوان کسی یاد شده که دارای «عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ» است؛ یعنی او فقط دارای بخشی از دانش کتاب است (به دلیل تبعیضیه بودن «مِن») ولی درعین حال توانست تخت بلقیس را از فاصله‌ای طولانی پیش از چشم برهم زدن سلیمان نبی علیه السلام نزد او حاضر سازد. پس اگر آصف بن برخیا با داشتن بخشی از دانش کتاب توانست تخت بلقیس را از آن راه دور حاضر نماید، مصداق «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» در آیه آخر سوره رعد باید کسی باشد که از علم به مراتب افزون‌تر برخوردار باشد<sup>۴</sup>

### نظر مفسران شیعه و اهل سنت در مورد مصداق آیه «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»:

همانطور که گفتیم بنابر نظر مفسران شیعه، مراد از «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» حضرت امیرالمومنین علیه السلام است.

---

«قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَأَاهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ»

اما شماری از مفسران اهل سنت تلاش کرده اند با ارائه دیدگاه‌های دیگر، برای آیه مورد بحث مصادیق دیگری را ذکر کنند. بر این اساس، مفسران اهل سنت در تعیین مصداق «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» ۱۰ دیدگاه ارائه کرده‌اند:

- ۱- مراد از «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»، همه مؤمنان است.
- ۲- مراد از «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»، عالمان یهود و نصارا (علمای اهل کتاب) است.
- ۳- مراد از «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»، خداوند تبارک و تعالی است.
- ۴- مراد از «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»، عبدالله بن سلام یهودی است.
- ۵- مراد از «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»، ابن یامین (بنیامین) است.<sup>۵</sup>
- ۶- مراد از «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»، جبرئیل است.<sup>۶</sup>
- ۷- مراد از «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»، جن است.<sup>۷</sup>
- ۸- مراد از «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»، ورقه بن نوفل است.<sup>۸</sup>
- ۹- مراد از «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»، ابوبکر است.<sup>۹</sup>
- ۱۰- مراد از «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»، سلمان فارسی است.<sup>۱۰</sup>

---

<sup>۵</sup>. معانی القرآن وإعرابه، ج ۳، ص ۱۵۲

<sup>۶</sup>. تفسیر الماوردی = النکت والعیون، ج ۳، ص ۱۱۹

<sup>۷</sup>. تفسیر ابن عطیة = المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، ج ۳، ص ۳۲۰

<sup>۸</sup>. التفسیر الوسیط لطنطاوی، ج ۷، ص ۴۹۹ و التحریر والتنویر، ابن عاشور، ج ۱۳، ص ۱۷۶

<sup>۹</sup>. تفسیر سور آبادی، ج ۲، ص ۱۲۱۵

<sup>۱۰</sup>. الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۴، ص ۶۶۸

ما ابتدا ۴ دیدگاه اول را نقد و بررسی خواهیم کرد و به دلیل ضعیف بودن و طرفدار نداشتن دیدگاه های دیگر از بررسی آن ها صرف نظر می کنیم و در پایان ، نظر مفسران شیعه که تنها مصداق آیه را حضرت امیر علیه السلام دانسته اند، را اثبات خواهیم کرد.

### دیدگاه اول: مراد از «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»، همه مؤمنان هستند:

افراد زیر قائل به این دیدگاه هستند:

۱- محمد بن عبدالله معروف به قاضی ابوبکر بن العربی:

او همه مؤمنان را مصداق «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» بر می شمرد. او در این باره چنین آورده است:

«اختلف فيمن عنده علم الكتاب بعد ذكر قول مجاهد على أربعة أقوال: الأول: أن المراد به مَنْ آمَنَ مِنَ

اليهود والنصارى. الثاني: أنه عبدالله بن سلام. الثالث: أنه علي بن أبي طالب. الرابع: المؤمنون كلهم.»

او پس ذکر این اقوال چهارگانه، پس از انکار فضیلت و برتری حضرت امیر بر دیگران، سه دیدگاه نخست

را تضعیف کرده و معتقد است که همه مؤمنان مصداق آیه هستند؛ گویا از دید او تمام مومنان از تمام ابعاد و

وجوه اعجاز قرآن آگاهی دارند و جزو راسخان در علمند که تأویل متشابهات قرآن را می دانند!

ابن العربی برای سخن خود ابتدا احتمالات دیگر را باطل می کند و می نویسد:

«أما من قال: إنهم الذين آمنوا من اليهود كابن سلام و ابن يامين و من النصارى كسلمان و تميم الداري،

فإن المعنى عنده بالكتاب التوراة والإنجيل.»

«اما کسانی که می گویند منظور از "من عنده علم الكتاب" یهودیانی هستند که ایمان آورده اند مانند، ابن

سلام و ابن یامین و مسیحیانی که ایمان آورده اند مانند سلمان و تمیم داری، پس معنای "من عنده علم الكتاب"

نزد قائلین به این دیدگاه، علم به تورات و انجیل است.»

سپس وی در مورد امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید:

«أما من قال: إنه علي بن أبي طالب فعول على أحد وجهين: إما لأنه عنده أعلم المؤمنين، و ليس كذلك،

بل أبو بكر و عمر و عثمان أعلم منه، حسبما بيناه في أصول الدين في ذكر الخلفاء الراشدين، أو لقول النبي صلى

الله عليه و سلم: أنا مدينة العلم و علي بابها. و هو حديث باطل، النبي صلى الله عليه و سلم مدينة علم و أبوابها

أصحابه، و منهم الباب المنفسخ، و منهم المتوسط على قدر منازلهم في العلوم»

«کسانی که می گویند مراد علی بن ابی طالب علیه السلام است بنا بر دو وجه گفته اند: یا اینکه او اعلم

مؤمنان است درحالی که چنین نیست و ابوبکر و عمر و عثمان دانایتر از او بوده اند و یا به خاطر قول نبی صلی

الله علیه وآله است که فرمود من شهر علمم و دروازه آن علی علیه السلام است. این حدیث نیز باطل است

چون پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله شهر علم و دروازه های آن اصحاب ایشان هستند.»

او بعد از رد تمامی این سخنان، قول منتخب خود را چنین می نویسد:

«و أما من قال: إنهم جميع المؤمنين فصدق، لأن كل مؤمن يعلم الكتاب و يدرك وجه إعجازه يشهد للنبي

صلى الله عليه وآله بالصدق.»<sup>11</sup>

<sup>11</sup>. محمد بن عبدالله بن ابوبکر ابن عربی، احکام القرآن، ط العلمیة، ج ۳، ص ۸۶

«اما کسانی که می گویند مراد از "من عنده علم الكتاب" تمامی مؤمنان است ، این سخن حق است؛ زیرا همه مؤمنان کتاب قرآن را می شناسند و وجه اعجاز آن را درک می کنند و به پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله شهادت به صدق داده اند.»

## ۲- شیخ اسماعیل حقی (م ۱۱۲۷ هـ):

او در تفسیر روح البیان ذیل آیه شریفه ، مراد از شهادت الهی را ، آشکار نمودن معجزات رسول الله صلی الله علیه وآله که دال بر صداقت او است می داند و در ادامه می گوید:

«وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ وَهُوَ الَّذِي عَلَّمَهُ اللَّهُ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ الْبَيَانَ وَارَاهُ آيَاتِ الْقُرْآنِ وَمُعْجَزَاتِهِ فَبِذَلِكَ

علم حقیه رسالته و شهد بها و هم المؤمنون فالمراد بالكتاب القرآن»

او نیز مانند ابن عربی تمام مومنین را آگاه به حقیقت رسالت و زوایای قرآن می پندارد. این نکته قابل تأمل است که کسانی که مومنین را مصداق آیه شریفه برمی شمردند به گونه ای عبدالله بن سلام را داخل در همین مومنین می دانند، حقی می گوید:

«و عن عبد الله بن سلام ان هذه الآية نزلت في فالمراد به التوراة فان عبد الله بن سلام و أصحابه وجدوا

نعته عليه السلام في كتابهم فشهدوا بحقية رسالته وكانت شهادتهم ايضا قاطعة لقول الخصوم.»<sup>۱۲</sup>

<sup>12</sup>. إسماعيل حقی الحنفی الخلوئی (المتوفى: ۱۱۲۷ هـ)، روح البیان، الناشر: دار الفكر - بیروت، ج ۳، ص ۳۹۱



## نقد این دیدگاه:

اولاً: با توجه به شواهد درون متنی ، از ظاهرِ واژه ی " مَنْ موصوله" و نقش آن در فراز «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمٌ الْكِتَابِ» پیداست که مصداق آن فقط یک نفر است؛ زیرا در این صورت باید از الفاظی مانند «اللذان» یا «اللذین» استفاده می شد ، پس این نظر از اساس باطل است.

ثانیا: آیا همه مؤمنان آن چنان مراتب ایمانی داشته اند که تصور شود نام آنها در کنار نام خداوند قرار گیرد؟ بسیاری از مؤمنان قبل از ایمان در ضلالت و گمراهی بودند در این صورت هرگز صحیح نیست که خداوند شهادت آنها را برجسته کند. اگر این مورد درست باشد کافران می توانستند بگویند که شما چگونه گواهی افرادی را می پذیرید که سال ها در شرک و بت پرستی غرق بودند؟ بنابراین، مصداق این فراز از آیه باید کسانی باشند که هرگز به شرک، بت پرستی، ضلالت و گناه آلوده نشده اند. ابن العربی حدیث «انا مدینه العلم و علی بابها» را مردود اعلام می کند و دلیلی برای سخن خود نمی آورد. در مدینه العلم بودن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بحثی نیست، ولی به چه دلیل می گوید «و ابوابها اصحابه»؟ حتی اگر چنین هم باشد آیا آنها هم طراز و هم رتبه با علی علیه السلام بودند؟ مگر خود خلیفه اول و دوم و برخی دیگر از صحابه به افضلیت علمی امیر مؤمنان اعتراف نکرده اند؟ این روایت با مضامین مشابه در کتب فریقین آمده است از جمله «انا دار الحکمه و علی بابها» ، «انا دار العلم و علی بابها» ، «أنا میزان العلم و علی كفتاه» ، «علی باب علمی و مبین لامتی ما أرسلت به من بعدی» علمای سرشناس اهل سنت این روایت را در کتاب های خود نقل کرده اند.

ثالثا: با توجه به تعبیر «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمٌ الْكِتَابِ»، کسی که علم به کتاب دارد؛ یعنی علم به تمام قرآن دارد و این مطلب از اضافه علم به کتاب فهمیده می شود. همچنین می دانیم که علم همه اصحاب پیامبر خدا صلی

الله علیه وآله به قرآن در یک سطح نبوده است، بلکه برخی نسبت به برخی دیگر، در مرتبه ای بالاتر قرار داشتند و از این رو، فقط کسی می تواند از میان اصحاب پیامبر، مصداق این آیه قرار گیرد که علم به تمام قرآن داشته باشد تا در نتیجه بتواند محل رجوع دیگران در شناخت قرآن باشد.

### دیدگاه دوم: مراد از «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»، عالمان یهود و نصارا (اهل کتاب) است:

عموم مفسران اهل سنت، مصداق آیه «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» را عالمان یهود و نصارا دانسته اند که به تعدادی از این افراد اشاره می کنیم:

۱- ابن مسعود بغوی ذیل آیه شریفه، کسانی از اهل کتاب که مسلمان شده اند را مصداق آیه معرفی کرده

است. او می گوید:

«وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ، يَرِيدُ مُؤْمِنِي أَهْلِ الْكِتَابِ يَشْهَدُونَ أَيضًا عَلَى ذَلِكَ».<sup>۱۳</sup>

۲- فخر رازی در تفسیر خود، چهار دیدگاه درباره مصداق آیه کریمه ذکر می کند و در این میان، تنها

دیدگاهی را می پذیرد که مصداق آیه را عالمان اهل کتاب دانسته است. او می نویسد:

---

<sup>۱۳</sup>. حسین بن مسعود بغوی، تفسیر البغوی - طيبة، ج ۴، ص ۳۲۸

«القول الثالث: و من عنده علم الكتاب المراد به: الذي حصل عنده علم التوراه و الإنجيل، يعنى: أن كل من كان عالما بهذين الكتابين علم اشتمالهما على البشاره بمقدم محمد صلّى الله عليه و سلم، فإذا أنصف ذلك العالم و لم يكذب كان شاهدا على أن محمدا صلّى الله عليه و سلم رسول حق من عندالله تعالى.»<sup>۱۴</sup>

«مراد از «و مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» کسانی هستند که به تورات و انجیل علم دارند، یعنی هر کس به این دو کتاب علم دارد صفات و خصوصیات پیامبر اکرم را در آن می یابد و اگر از روی انصاف سخن بگوید و دروغ نگوید، تصدیق می کند که رسول اکرم صلی الله علیه وآله پیامبر حقی از جانب خداست.»

۳- نصر بن محمد سمرقندی در این باره چنین می نویسد:

« وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ يَعْنِي: وَ مَنْ آمَنَ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِثْلَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَلَامٍ، وَ أَصْحَابِهِ شَهِيداً بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ لِأَنَّهُمْ وَجَدُوا نَعْتَهُ وَ صِفَتَهُ فِي كِتَابِهِمْ.»<sup>۱۵</sup>

سمرقندی سپس اشکال عبدالله بن مسعود را ذکر می کند:

«قال عبدالله بن مسعود: هذه السورة مكية، و عبدالله بن سلام أسلم بعد ذلك بمده، فكيف يجوز أن يكون المراد به عبدالله بن سلام.... و روى عن ابن عباس أنه كان يقول: هذه الآية مدنية، وكان يقرأ وَ مَنْ عِنْدَهُ بِالنَّصَبِ وَاللَّهُ أَعْلَم.»<sup>۱۶</sup>

ابن مسعود می گوید چگونه ممکن است که مراد از آیه شریفه، عبدالله بن سلام باشد و حال آن که آیه

مکی است و ابن سلام در مدینه اسلام آورده است؟

<sup>۱۴</sup>. فخر رازی، تفسیر الکبیر، ج ۱۹، ص ۵۵

<sup>۱۵</sup>. تفسیر السمرقندی، ج ۲، ۲۳۲

<sup>۱۶</sup>. همان

سمرقندی با روایتی که منسوب به ابن عباس است، پاسخ این اشکال را می دهد.

۴- ابن کثیر دمشقی نیز مصداق آیه را عالمان اهل کتاب می داند، نه صرفاً عبدالله بن سلام؛ زیرا معتقد است که این آیه شریفه مکی است و مطابق اسناد موجود تاریخی، عبدالله بن سلام در مدینه اسلام آورده بود. سخن او چنین است:

«و قوله: وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ قِيلَ: نزلت في عبدالله بن سلام، قال مجاهد: و هذا القول غريب، لأن هذه الآية مكية، و عبدالله بن سلام إنما أسلم في أول مقدم النبي صلى الله عليه و سلم المدينة، و الأظهر في هذا ما قاله العوفي عن ابن عباس قال: هم من اليهود و النصارى.... و الصحيح في هذا أنّ وَ مَنْ عِنْدَهُ اسم جنس يشمل علماء أهل الكتاب الذين يجدون صفه محمد صلى الله عليه و سلم و نعته في كتبهم المتقدمة من بشارات الانبياء به.»<sup>۱۷</sup>

۵- سیوطی نیز در تفسیر الجلالین همین قول را ذکر می کند.<sup>۱۸</sup>

۶- ابو محمد مکی بن حمّوش (م ۴۳۷ هـ):

مکی بن حموش در تفسیر این آیه، علم کتاب را به معنای علم به کتاب های پیش از قرآن مانند تورات و انجیل دانسته است.

«والذي عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ أَي: علم الكتب التي أنزلت قبل القرآن، كالتوراة، والإنجيل»<sup>۱۹</sup>

۷- محمد بن علی شوکانی (م ۱۲۵۰ هـ):

<sup>۱۷</sup>. تفسیر ابن کثیر سلامه، ج ۴ / ص ۴۷۳

<sup>۱۸</sup>. تفسیر الجلالین، ص ۳۲۹

<sup>۱۹</sup>. الهدایة الی بلوغ النهایة، ج ۵، ص ۳۷۶۳

«وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ أَى عِلْمُ جِنْسِ الْكِتَابِ كَالْتَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ، فَإِنَّ أَهْلَهُمَا الْعَالِمِينَ بِهِمَا يَعْلَمُونَ صِحَّةَ رِسَالَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَقَدْ أَخْبَرَ بِذَلِكَ مَنْ أَسْلَمَ مِنْهُمْ كَعَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَلَامٍ وَسَلْمَانَ الْفَارِسِيَّ وَتَمِيمَ الدَّارِيَّ وَنَحْوِهِمْ وَقَدْ كَانَ الْمُشْرِكُونَ مِنَ الْعَرَبِ يَسْأَلُونَ أَهْلَ الْكِتَابِ وَيَرْجِعُونَ إِلَيْهِمْ، فَأَرْشَدَهُمُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ فِي هَذِهِ الْآيَةِ إِلَى أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ يَعْلَمُونَ ذَلِكَ»<sup>20</sup>

شوکانی می گوید: «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ يَعْنِي عِلْمُ جِنْسِ كِتَابِ مِثْلِ تَوْرَاتٍ وَانْجِيلِ اسْت؛ زِيْرَا اِهْلِ اَيْنِ دُو كِتَابِ، بِه كِتَابِ هَايْشَانِ اَكَاَه نَد وَدَرْسْتِي پِيَامْبِرِي پِيَامْبِرِ خِدا صِلَى اللّٰه عَلَيْهِ وَآلِه رَا مِي دَانَنْد»

### نقد این دیدگاه:

اولاً: شاهد درون متنی آیه ، حرف " مَنْ موصول " است که فقط می تواند یک نفر باشد و اگر قصد بیش از یک نفر را داشت باید عبارت «اللدان» یا «اللدین» را به کار می برد.

ثانياً: علم موردنظر در این آیه بسیار فراتر از علوم ظاهری است و بسان علمی که درباره آصف بن برخیا بکار رفته، شامل عرصه‌هایی همچون احاطه به اسرار و بواطن امور و تصرف در امور تکوینی می شود. از صاحبان این دیدگاه باید پرسید که آیا حاضرند دانش و آگاهی علمای اهل کتاب را چنان گسترده دانسته که عرصه‌هایی همچون علوم غیبی و تصرف در امور تکوینی را در برگیرد؟! آیا در میان مؤمنان اهل کتاب ، شخصی که عالم به تمام کتاب اعم از محکم و متشابه، مطلق و مقید ، عام و خاص و ... باشد سراغ دارند که بتوان او را

<sup>20</sup>. فتح القدير للشوکانی، ج ۳، ص ۱۰۸

به عنوان مرجع دینی، علمی، عملی و مصداق خارجی این فراز از آیه یاد کرد؟ به راستی که کسی جز امام علی علیه السلام که علم خود را از پیامبر صلی الله علیه وآله آموخت، توان گفتن چنین سخنی را ندارد.

**ثالثاً:** مبارزه رسول خدا صلی الله علیه وآله و دعوت آن حضرت در مکه فقط با مشرکین قریش بوده است با این حال معنی ندارد که رسول خدا صلی الله علیه وآله در رسالت خود به شهادت کسی که به نبوت او ایمان نیاورده و گواهی نداده است، احتجاج کند.

بنابراین این قول که مراد اسم موصول در آیه، اهل کتاب باشند، با آیات متعددی از قرآن ناسازگار است؛ زیرا خداوند از اهل کتاب به دلیل ایمان نیاوردنشان انتقاد می کند که از جمله می توان به این آیه اشاره کرد «الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا»<sup>۲۱</sup> که در آن، علاوه بر اینکه به ایمان نیاوردن اهل کتاب اشاره شده، به این حقیقت نیز اشاره گردیده است که آنان کافران را هدایت یافته تر از مؤمنان می دانند. پس چگونه ممکن است کسانی که خود، به پیامبر ایمان نداشتند و دیگران را از ایمان آوردن به او باز می داشتند، شاهد درستی ادعای پیامبر باشند و به حقانیت او گواهی دهند؟!

**رابعاً:** مبنای همه مفسرانی که معتقدند مراد این آیه اهل کتاب هستند، این است که کتاب را به معنای کتب پیشین یعنی تورات و انجیل می دانند، حال آن که کتاب در اینجا به معنای تورات و انجیل نیست، بلکه به معنای قرآن است و مفسران متعددی به آن اشاره کرده اند. از جمله زمخشری در تفسیر این آیه می گوید: «وَمَنْ عِنْدَهُ

<sup>21</sup>. نساء / ۵۱

عِلْمُ الْكِتَابِ یعنی کسی که علم به قرآن دارد و نظم معجزی را که از توان بشر خارج است، در آن مشاهده کرده است.<sup>22</sup>

فضای سوره رعد و سیاق آیات آن نیز گواه این حقیقت است که کتاب در اینجا معنایی جز قرآن ندارد؛ زیرا در آیات نخستین، آیات میانی و آیات پایانی این سوره، سخن درباره اثبات حقانیت قرآن است که این کتاب از جانب خدا نازل شده و خود بزرگ ترین گواه بر درستی ادعای پیامبر است.

### دیدگاه سوم: مراد از «من عنده علم الكتاب» خداوند تبارک و تعالی است:

عده ای از مفسران و عالمان اهل سنت خداوند را مصداق آیه کریمه می دانند که عبارتند از:

#### ۱- قاضی بیضاوی:

بیضاوی مقصود کفار در آیه شریفه را روسای یهود ذکر می کند ، او در ادامه «علم کتاب» را علم قرآن و یا علم تورات و یا علم لوح محفوظ که دارنده آن علم ، تنها خداوند متعال است معنا می کند. او می گوید:

«قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ فَإِنَّهُ أَظْهَرَ مِنَ الْأَدْلِ عَلَى رَسُولِي مَا يَغْنِي عَنِ شَاهِدٍ يَشْهَدُ عَلَيْهَا. وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ عِلْمُ الْقُرْآنِ وَ مَا أَلْفَ عَلَيْهِ مِنَ النِّظْمِ الْمَعْجَزِ، أَوْ عِلْمُ التَّوْرَةِ وَ هُوَ ابْنُ سَلَامٍ وَ أَصْرَابَهُ، أَوْ عِلْمُ

---

<sup>22</sup>. الكشاف، ج ۲، ص ۵۳۶

اللوح المحفوظ و هو الله تعالى، أي كفى بالذي يستحق العبادة و بالذي لا يعلم ما في اللوح المحفوظ إلا هو

شهيدا بيننا فيخزي الكاذب منا»

بيضاوی در ادامه موید ادبی برای برگزیدن نظر اخیر مطرح می کند:

«و يؤيده قراءة من قرأ و مَنْ عِنْدَهُ بِالْكَسْرِ و عِلْمُ الْكِتَابِ و على الأول مرتفع بالظرف فإنه معتمد على

الموصول، و يجوز أن يكون مبتدأ و الظرف خبره و هو متعين على الثاني و قرئ «و من عنده علم الكتاب» على

الحرف و البناء للمفعول»<sup>۲۳</sup>

۲- ابوالاسحاق الزجاج (م ۳۱۱ ق):

«و"مَنْ" يعود على الله عَزَّ وَجَلَّ، و الذي يدل على أنه راجع إلى الله عَزَّ وَجَلَّ - قراءة من قرأ (وَمِنْ عِنْدِهِ)

علم الكتاب، و من عنده علم الكتاب لأن الأثبه، والله أعلم - أن الله لا يَسْتَشْهَدُ على خلقه بغيره. و ذلك التفسير

جائز لأن البراهين إذا قامت مع اعتراف من قرأ الكتب التي أنزلت قبل القرآن فهو أمرٌ مُؤَكَّدٌ.»<sup>۲۴</sup>

زجاج در تفسیر آیه می گوید: «مَنْ به الله عزوجل بازمی گردد، دلیل آن، قرائت کسی است که و مِنْ عِنْدِهِ

علم الكتاب قرائت کرده است؛ چون سازگارتر است و خداوند علیه خلقش غیر خودش را شاهد نمی گیرد. این

تفسیر جایز است؛ زیرا اگر براهین همراه با اعتراف کسی اقامه گردد که کتاب های پیش از قرآن را خوانده است،

امری مؤکد است.»

۳- ابوالقاسم ابن جزى الكلبي (م ۷۴۱ ق):

<sup>23</sup>. تفسیر البيضاوی = أنوار التنزيل وأسرار التأويل، ج ۳، ص ۱۹۱

<sup>24</sup>. معانى القرآن وإعرابه ج ۳، ص ۱۵۲



ابن جزی نیز «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» را معطوف به اسم الله دانسته است:

«وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ مَعُطُوفٌ عَلَى اسْمِ اللَّهِ عَلَى وَجْهِ الْأَسْتِثْنَاءِ بِهِ..... وَ يَقْوِيهِ قِرَاءَةُ: وَمَنْ عِنْدَهُ

بِمَنْ الْجَارَةُ وَ خَفَضَ عِنْدَهُ.»<sup>۲۵</sup>

۴- حسن بصری:

زمخشری و فخر رازی این دیدگاه را به حسن بصری نسبت داده اند:

«وَعَنِ الْحَسَنِ: لَا وَاللَّهِ مَا يَعْنِي إِلَّا اللَّهُ. وَالْمَعْنَى: كَفَى بِالَّذِي يَسْتَحِقُّ الْعِبَادَةَ وَ بِالَّذِي لَا يَعْلَمُ عِلْمَ مَا فِ

اللُّوحِ إِلَّا هُوَ، شَهِيداً بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ.»<sup>۲۶</sup>

«سوگند به خدا که خداوند در اینجا خودش را قصد کرده است»

### نقد این دیدگاه:

اولاً: قول به این دیدگاه خلاف مقصود عطف است؛ چون عطف بر مغایرت بین معطوف و معطوف علیه

دلالت دارد، در حالی که اگر مقصود ذات خداوند باشد، مغایرتی وجود نخواهد داشت.

ثانیاً: ابن عطیه می گوید اعتراضی که به این دیدگاه می شود، این است که در آن عطف صفت به موصوف

می شود و این جایز نیست و تنها برخی صفات بر برخی دیگر عطف می شوند.

<sup>25</sup>. تفسیر ابن جزی = التسهیل لعلوم التنزیل، ج ۱، ص ۴۰۷

<sup>26</sup>. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۲، ص ۵۳۶

«وقیل: یرید الله تعالی، کانه استشهد بالله تعالی، ثم ذکره بهذه الألفاظ التي تتضمن صفة تعظیم. ويعترض هذا القول بأن فيه عطف الصفة على الموصوف، وذلك لا يجوز وإنما تعطف الصفات بعضها على بعض.»<sup>۲۷</sup>

فخر رازی نیز می نویسد:

«وَهَذَا الْقَوْلُ مُشْكَلٌ، لِأَنَّ عَطْفَ الصِّفَةِ عَلَى الْمَوْصُوفِ وَإِنْ كَانَ جَائِزًا فِي الْجُمْلَةِ إِلَّا أَنَّهُ خِلَافُ الْأَصْلِ. لَا يَقَالُ: شَهِدَ بِهَذَا زَيْدٌ وَالْفَقِيهُ، بَلْ يَقَالُ: شَهِدَ بِهِ زَيْدٌ الْفَقِيهُ»<sup>۲۸</sup>

«عطف صفت به موصوف خلاف اصل است و صحیح نیست که بگوئیم: «شَهِدَ بِهَذَا زَيْدٌ وَالْفَقِيهُ؛ به این امر زید و فقیه گواهی دادند.» و مراد از فقیه خود زید باشد؛ چون این عطف، عطف صفت بر موصوف می باشد و این قبیح است؛ بلکه باید گفت: «شَهِدَ بِهِ زَيْدٌ الْفَقِيهُ؛ زید فقیه به این امر شهادت داده است.»

بنابراین علمای ادب، این امر را قبیح می دانند.

**ثالثاً:** این امر باعث تکرار می گردد چون در آیه ، به لفظ الله و شاهد بودن خداوند اشاره شده است و دیگر نیازی به تکرار آن نیست و این تکرار چه از نظر معنوی و چه از نظر لفظی، بی معنا و نامعقول است که با فصاحت و بلاغت قرآن نیز ناسازگاری دارد.

**رابعاً:** ماتریدی درباره قرائتی از این آیه می گوید:

<sup>27</sup>. تفسیر ابن عطیة = المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز، ج ۳، ص ۳۲۰

<sup>28</sup>. مفاتیح الغیب أو التفسیر الکبیر، ج ۱۹، ص ۵۵

« هرکس با جر قرائت کند «و مِنْ عِنْدِهِ عِلْمُ الْكِتَابِ» تأویلش به این معنا است: علم به این کتاب از جانب خدا آمده است، کتابی که از پیش و پس آن هیچ باطلی سویش نمی آید و نیز در یکی از روایات از پیامبر روایت شده ایشان «و مِنْ عِنْدِهِ عِلْمُ الْكِتَابِ» با کسره قرائت می کردند، اما همه قاریان فتحه را بر می گزینند «و مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ». ابو عبید گفته است: برخی از آنان «و مِنْ عِنْدِهِ عِلْمُ الْكِتَابِ» [با جر میم و دال و رفع عین] قرائت کرده اند، اما من نمی دانم این [قرائت] از چه کسی است؟»<sup>29</sup>

**خامسا:** این قرائات که شمار اندکی از مفسران براساس آن، آیه را تفسیر کرده اند، قرائاتی شاذ و غیر مشهور است و از این جهت بی اعتبار و غیر قابل استناد هستند؛ زیرا اولاً؛ این قرائات در هیچ یک از کتب قرائات هفت گانه و حتی چهارده گانه ذکر نشده اند. ثانیاً؛ اگر جزء این قرائات هم باشند، در صورتی که قرائات هفت گانه یا چهارده گانه را متواتر بدانیم، می توانند معتبر شمرده شوند، حال آن که از نظر برخی دانشمندان، این قرائات هفت گانه یا چهارده گانه به جز یک قرائت، غیر متواتر هستند، چه رسد به قرائاتی غیر از آن ها.

### **دیدگاه چهارم: مراد از «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» عبدالله بن سلام یهودی است:**

برخی از مفسران اهل سنت، عبدالله بن سلام را مصداق آیه کریمه ذکر کرده اند. قائلین به این دیدگاه

عبارتند از:

---

<sup>29</sup>. تفسیر الماتریدی = تأویلات أهل السنة، ج 6، ص 357

۱- محمد بن جریر طبری:

او نخستین مفسر اهل سنت است که مصداق آیه «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» را عبدالله بن سلام دانسته است.

او برای اثبات مدعای خود، ده روایت برشمرده است.<sup>۳۰</sup>

۲- امام ابوالحفص نجم الدین عمر بن محمد نسفی:

او در تفسیر فارسی خود چنین می نویسد:

«قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ بگوی که بسنده است خدای تعالی، گواه میان من و شما و مَنْ عِنْدَهُ

عِلْمُ الْكِتَابِ و آنکه به نزد وی است علم تورات یعنی عبدالله بن سلام.»<sup>۳۱</sup>

۳- أبو الحجاج مجاهد بن جبر التابعی المکی (م ۱۰۴ ق):

از مجاهد بن جبر مکی در تفسیر آیه، چنین نقل شده که منظور از آن شخص، عبدالله بن سلام است:

«أنا عَبْدُ الرَّحْمَنِ، نا إِبْرَاهِيمَ، نا آدَمَ، نا وَرَقَاءَ، عَنِ ابْنِ أَبِي نَجِيحٍ، عَنْ مُجَاهِدٍ: {وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ}

قَالَ: «هُوَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سَلَامٍ»<sup>۳۲</sup>

۴- أبو منصور الماتریدی (المتوفى: ۳۳۳ هـ):

ماتریدی در تفسیر خود به نزول آیه در باره عبدالله بن سلام اشاره کرده و می گوید:

<sup>30</sup>. محمد بن جریر طبری، تفسیر جامع البیان، ج ۱۳، ص ۱۱۸

<sup>31</sup>. نسفی محمد، تفسیر نسفی، ج ۱، ص ۴۸۱

<sup>32</sup>. تفسیر مجاهد، ص ۴۰۹

«وروی عن عبد الله بن سلام أنه قال: في نَزَل: (قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) هذا يؤيد أن يثبت قول أهل التأويل؛ حيث قالوا: (وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ): عبد الله بن سلام وأصحابه. والله أعلم»<sup>۳۳</sup>

«از عبدالله بن سلام نقل کرده اند که گفته «قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» درباره من نازل شده است. این نقل، نظر اهل تأویل را که گفته اند «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» عبدالله بن سلام و اصحاب او هستند، اثبات می کند و خداوند دانایتر است.»

#### ۵- محمود آلوسی:

آلوسی منظور از علم کتاب را علم قرآن می داند و این نظر که کتاب همان تورات و انجیل است را با قیل ذکر می کند که در نهایت به همین نظر متمایل می شود. او مراد از «من عنده علم الكتاب» را عبدالله بن سلام و امثال او می داند که صفات پیامبر آخرین را در کتب خود مشاهده کرده بودند. او می نویسد:

«وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ أَى عِلْمُ الْقُرْآنِ وَ مَا عَلَيْهِ مِنَ النِّظْمِ الْمَعْجَزِ وَ قِيلَ: الْمُرَادُ بِالْكِتَابِ ، التَّوْرَهُ وَ الْإِنْجِيلَ وَ الْمُرَادُ بِمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ ذَلِكَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِينَ كَعَبْدِ اللَّهِ سَلَامٍ وَ أَضْرَابِهِ فإِنَّهُمْ يَشْهَدُونَ بِنِعْتِهِ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ فِي كِتَابِهِمْ وَ إِلَى هَذَا ذَهَبَ قِتَادُهُ»

آلوسی در ادامه به بررسی روایات وارده در این زمینه می پردازد، او می گوید:

«فقد أخرج عبد الرزاق و ابن جرير و ابن المنذر عنه أنه قال في الآية: كان من أهل الكتاب قوم يشهدون بالحق و يعرفونه منهم عبد الله بن سلام و الجاورد و تميم الداري، و سلمان الفارسي، و جاء عن مجاهد و غيره

<sup>33</sup>. تفسير الماتريدي = تأويلات أهل السنة، ج 6، ص 357

و هي روايه عن ابن عباس أن المراد بذلك عبد الله و لم يذكروا غيره.... و أنكر ابن جبیر ذلك، فقد أخرج سعيد بن منصور و جماعه عنه أنه سئل أ هذا الذي عنده علم الكتاب هو عبد الله بن سلام؟ فقال: كيف و هذه السورة مكّي و الشعبي أنكر أن يكون شيء من القرآن نزل فيه و هذا لا يعول عليه»

مؤلف روح المعانی اشکالاتی را که بر این نظر وارد شده است را پس از ذکر کردن رد می کند. او در پاسخ اشکال ابن جبیر که می گوید سوره رعد مکی است و عبد الله بن سلام در مدینه اسلام آورده است، می گوید آیه مورد نظر (و من عنده علم الكتاب) مدنی است و استثنائاً در مدینه نازل شده است.

سپس اشکال دیگری را متعرض می شود که بر اساس آن، همه آیات سوره رعد، بدون استثناء در مکه نازل شده اند. آنگاه در پاسخ می گوید:

«و أجيب بأن ذلك لا ينافي كون الآية مكية بأن يكون الكلام إخباراً عما سيشهد به.... و انه لا يلزم من كفاية من ذكر في الشهادة أداؤها لم يضر كون الآية مكية و عدم إسلام عبد الله بن سلام حين نزولها بل و لا عدم حضوره»

او حتی قول برخی از دانشمندان اهل سنت مبنی بر این که تمام سوره رعد مدنی است، جهت تأیید نظر خود ذکر می کند.<sup>۳۴</sup>

---

<sup>34</sup>. سید محمود آلوسی، روح المعانی، ج ۷، ص ۱۶۵ و ۱۶۶

## ۶- شیخ اسماعیل حقی:

او در این باره می‌گوید: «و عن عبدالله بن سلام: ان هذه الآية نزلت في؛ فالمراد به التوراه. فان عبدالله بن سلام و أصحابه وجدوا نعته عليه السلام في كتابهم فشهدوا بحقيه رسالته.»<sup>۳۵</sup>

## ۷- قاضی بیضاوی:

بیضاوی از دیگر مفسران اهل سنت نیز همین دیدگاه را به عنوان یکی از احتمالات ذکر کرده است:  
«وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ، عَلِمَ الْقُرْآنَ وَ مَا أَلْفَ عَلَيْهِ مِنَ النِّظْمِ الْمَعْجَزِ، أَوْ عَلِمَ التَّوْرَةَ وَ هُوَ ابْنُ سَلَامٍ وَ  
أَصْرَابَهُ»<sup>۳۶</sup>

## نقد این دیدگاه:

اولاً: عبدالله بن سلام بن حار اسرائیلی، از یهودیانی است که برخی مورّخان، اسلام آوردن او را در سال اول هجرت دانسته اند<sup>۳۷</sup> و برخی دیگر، مانند علامه سید جعفر مرتضی عاملی در الصحیح من سیره النبی الاعظم، اسلام وی را دو سال پیش از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله یعنی سال هشتم هجری می‌دانند<sup>۳۸</sup> و

<sup>۳۵</sup>. إسماعیل حقی الحنفی الخلوئی (المتوفی: ۱۱۲۷هـ)، روح البیان، الناشر: دار الفکر - بیروت، ج ۳، ص ۳۹۱

<sup>۳۶</sup>. تفسیر البیضاوی = أنوار التنزیل وأسرار التأویل، ج ۳، ص ۱۹۱

<sup>۳۷</sup>. ابن حجر العسقلانی، الإصابه فی تمییز الصحابه، ج ۴، ص ۱۰۳؛ خلیفه بن خیاط، تاریخ خلیفه، ص ۱۹

<sup>۳۸</sup>. جعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۴، ص ۳۹۶

اجماع بر آن است که او در مدینه اسلام آورده است. او هم قبیله ی عبدالله بن اُبی از یهودیان قینقاع بود که تا سال سوم هجری هنوز اسلام نیاورده بودند.<sup>۳۹</sup>

بر اساس آن چه گفته شد، ادعای ناظر بودن شأن نزول آیه مورد بحث درباره عبد الله بن سلام دچار یک اشکال اساسی است<sup>۴۰</sup> و آن این که همه اتفاق نظر دارند که سوره رعد و فراز «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» مکی است و در مکه نازل شده است<sup>۴۱</sup>، در حالی که عبد الله بن سلام در مدینه و در سال هشتم هجرت ایمان آورد و سزاوار نیست آیه ای نازل شود و شأن نزول و مصداق آن مجهول باشد.

**ثانیا:** طبری اولین مفسری است که عبدالله بن سلام را مصداق خاص آیه می داند، باید گفت که تفسیر طبری با داشتن ویژگی های مثبت، نکات منفی نیز دارد مانند وجود اسرائیلیات در این تفسیر که انتقادهایی را برانگیخته است. آمال محمد عبدالرحمن ربیع برخی از اسرائیلیات تفسیر طبری را با نقل های مشابه در منابع عبری در کتاب **الإسرائيليات فی تفسیر الطبری** چاپ کرده است و می گوید: «طبری با وجود اینکه در ذکر اسناد و روایت احادیث دقت می کند، به صحت و نقد سند اعتنایی ندارد پس احادیث ضعیف السند در تفسیر وی فراوان دیده می شود.»<sup>۴۲</sup>

عدم توجه به اسناد روایت در ذیل آیه ی «و من عنده علم الكتاب» نیز دیده می شود و ۱۰ روایتی که در مورد عبدالله بن سلام آمده است حتی از نظر اهل سنت موثق نیستند. روایاتی که او به آنها استشهاد می کند

---

<sup>39</sup>. الطبقات الكبرى، ج ۲، ص ۳۷

. تفسیر ابن کثیر سلامت، ج ۴ / ص ۴۷۳ - تفسیر السمرقندی، ج ۲، ۲۳۲ - تفسیر ابن عطیة، ج ۳، ص ۳۲۰ - الدر المنثور، ج ۴، ص ۶۶۹<sup>40</sup>

<sup>41</sup>. روح المعانی، ج ۷، ص ۱۶۵

<sup>42</sup>. الإسرائيليات فی تفسیر الطبری، ص ۲۲



بیشتر از روایانی است که متهم به کذب هستند و از کسانی هستند که اسرئیلیات را وارد دین می کردند. مانند عبدالملک بن عمیر که توسط علمای رجال تضعیف و به تدلیس مشهور شده است.<sup>۴۳</sup> همچنین راوی بعضی از این روایات، خود عبدالله بن سلام است که جای تأمل دارد.

**ثالثاً:** نام بردن از «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» در کنار خداوند و کفایت گواهی آنها برای اثبات رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، بدان معناست که این شخص باید از چنان پایه ی محکم و استواری در ایمان و خدا باوری برخوردار بوده که شایسته چنین استنادی باشد. آیا در برابر کافران معاندی که به رغم مشاهده معجزات مختلف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله زیر بار پذیرش رسالت آن حضرت نرفتند، می توان گواهی عبدالله بن سلام را شاهد آورد که ایمانش با ده ها آفت و آسیب همچون شرک به خداوند آمیخته است؟! آیا ایمان عبدالله بن سلام که خود دارای پیشینه کفر بوده می تواند گواه حقایق رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قلمداد گردد؟

---

<sup>43</sup>. ر.ک: الجرح والتعديل ابن ابی حاتم، ج ۵، ص ۳۶۱؛ میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۶۶۰

## دیدگاه شیعه: مراد از «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» علی بن ابی طالب علیه السلام است:

تمام مفسران شیعه قائلند که مراد از «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» ، حضرت امیرالمومنین علیه السلام است زیرا آن حضرت اولین کسی بود که اسلام آورد و همواره در تمام فراز و نشیبها، پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله را همراهی می کرد و او بعد از رسول خدا صلی الله علیه وآله اول کسی بود که از آیات الهی آگاهی می یافت و آنها را می نوشت؛ فلذا آن حضرت از تمام صحابه به کتاب خدا داناتر بود.<sup>۴۴</sup>

برخی از تفاسیر شیعه که این دیدگاه را ذکر کرده اند عبارتند از:

۱- تفسیر علی بن ابراهیم قمی

۲- التفسیر عیاشی

۳- تفسیر فرات کوفی

۴- تفسیر ثابت بن دینار ابوحمزه ثمالی

۵- التبیان فی تفسیر القرآن ، شیخ طوسی

۶- کنز الدقائق و بحر الغرائب ، محمد بن محمد رضا قمی مشهدی

۷- منهج الصادقین فی إلزام المخالفین ، ملا فتح الله کاشانی

۸- تفسیر نور الثقلین ، عبد علی بن جمعه عروسی حویزی

۹- دقائق التأویل و حقائق التنزیل ، أبوالمکارم محمود بن محمد حسنی

<sup>44</sup>. عن علی علیه السلام: واللّه ما نزلت آیه إلا وقد علّمت منی نزلت وأین نزلت وعلی من نزلت (شواهد التنزیل، حاکم حسکانی، ج ۱، ص ۴۵)

۱۰- مجمع البيان في علوم القرآن ، امين الاسلام فضل بن حسن طبرسي

۱۱- تفسير شريف لاهيجي

۱۲- تفسير الصافي ، فيض كاشاني

۱۳- الميزان في تفسير القرآن ، علامه طباطبائي

۱۴- تفسير نمونه ، آيت الله مكارم

همچنين بعضی از عالمان و مفسران اهل سنت نیز مثل شيعه ، قائلند که مراد از «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»

، حضرت اميرالمومنين عليه السلام است.

این عالمان اهل سنت عبارتند از:

۱- ثعلبي در تفسير روايي الكشف و البيان عن تفسير القرآن

۲- حاكم حسكاني در تفسير روايي شواهد التنزيل لقواعد التفضيل

۳- سليمان قندوزي در كتاب ينابيع الموده لذوي القربي

قرطبي در الجامع لأحكام القرآن<sup>۴۵</sup> و ابن الجوزي در زاد المسير في علم التفسير<sup>۴۶</sup> نیز حضرت علي

عليه السلام را به عنوان یکی از مصادیق «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» ذکر کرده اند.

---

<sup>45</sup>. الجامع لأحكام القرآن، ج ۹، ص ۳۳۶

<sup>46</sup>. زاد المسير في علم التفسير، ج ۲، ص ۵۰۲

روایات فراوانی از شیعه و اهل سنت در ذیل آیه مورد بحث نقل شده و نزول این آیه را در شأن حضرت

علی علیه السلام می‌دانند که به جهت رعایت اختصار بخشی از آنها را نقل می‌کنیم:

### روایاتی از کتب شیعه در تفسیر آیه:

#### روایت اول:

علی بن ابراهیم قمی در تفسیر خود روایتی را با سند صحیح به نقل از ابن اُذَیْنَه از امام صادق علیه السلام

نقل کرده است:

«حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ هُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ سُئِلَ عَنِ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَعْلَمُ أَمْ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ فَقَالَ مَا كَانَ عِلْمُ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ عِنْدَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ إِلَّا بِقَدْرِ مَا تَأْخُذُ الْبُعُوضَةُ بِجَنَاحِهَا مِنْ مَاءِ الْبَحْرِ، فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَلَا إِنَّ الْعِلْمَ الَّذِي هَبَطَ بِهِ آدَمُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَ جَمِيعَ مَا فَضَّلْتُ بِهِ النَّبِيُّونَ إِلَى خَاتَمِ النَّبِيِّينَ فِي عَثْرَةِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ»<sup>47</sup>

«در این روایت نه تنها حضرت امیر علیه السلام تنها مصداق آیه «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» معرفی شده،

بلکه علم اندک آصف بن برخیا که آیه «الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ» به آن ناظر است، در برابر دانش بی‌کران

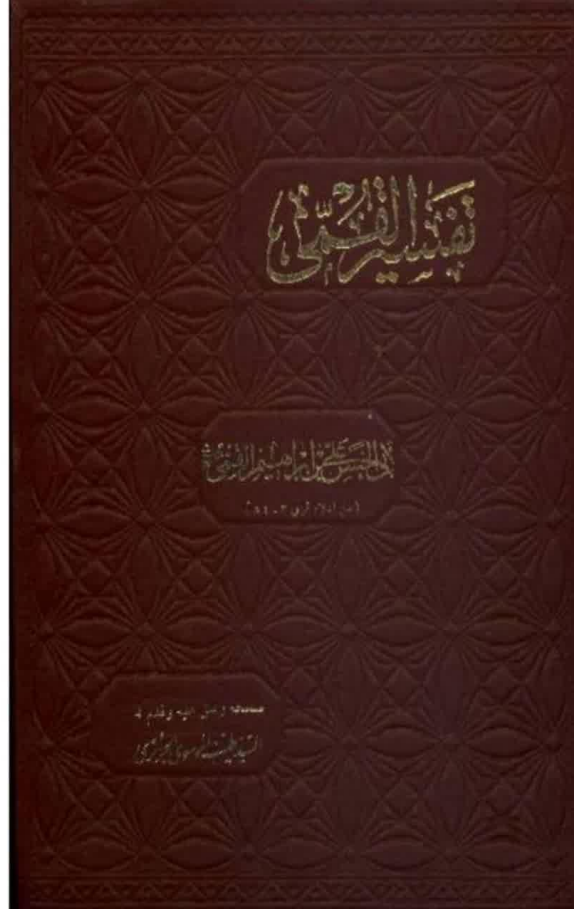
حضرت علی علیه السلام، همانند آبی دانسته شده که بر بال های یک پشه قرار می‌گیرد!»

<sup>47</sup>. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ج ۱، ص ۳۶۷

قلت وكل شيء عنده بمقدار مثبت في كتابه ؟ قال نعم قلت لأي شيء يكون بمدته قال سبحانه الله ثم يحدث الله ايضاً ما يشاء تبارك الله وتعالى وقوله ( أولم يروا اننا نأتي الارض ننقصها من اطرافها ) فقال موت علمها ( والله يحكم لا معقب لحكمه ) اي لا مانع وقوله ( وقد مكر الذين من قبلهم فله المكر جميعاً ) قال المكر من الله هو العذاب ( وسيعلم الكفار لمن عقبى الدار ) اي نواب القيامة وقوله ( قل كمى بالله شهيداً بيني وبينكم ومن عنده علم الكتاب فانه حدثني ابي عن ابن ابي عمير عن ابن اذينة عن ابي عبد الله عليه السلام قال الذي عنده علم الكتاب هو امير المؤمنين عليه السلام وسئل عن الذي عنده علم من الكتاب اعلم ام الذي عنده علم الكتاب فقال ما كان علم الذي عنده علم من الكتاب عند الذي عنده علم الكتاب إلا بقدر ما تأخذ البعوضة بجناحها من ماء البحر ، فقال امير المؤمنين عليه السلام : لا ان العلم الذي هبط به آدم من السماء الى الارض وجميع ما فضلت به النبيون الى خاتم النبيين في عزة خاتم النبيين عليه السلام

### سورة ابراهيم مكية وهي اثنان وخمسون آية

( بسم الله الرحمن الرحيم الى كتاب ازلناه اليك - يا محمد - لتخرج الناس من الظلمات الى النور باذن ورحم ) يعني من الكفر الى الايمان ( الى صراط العزيز الحميد ) والصراف الطريق الواضح وامامة الأئمة عليهم السلام وقوله ( الله الذي له ما في السموات وما في الارض - الى قوله - وهو العزيز الحكيم ) فهو محكم وقوله ( ولقد ارسلنا موسى باياتنا ان اخرج قومك من الظلمات الى النور وذكرهم بيلم الله ) قال ايام الله ثلاثة : يوم القائم ويوم الموت ويوم القيامة وقوله ( وإذا تأذن ربك لان شكرتم لازيدنكم ولان كفرتم ان عذابي لشديد ) فهذا



### روایت دوم:

محمد بن حسن صفار در بصائر الدرجات ذیل «باب مما عند الأئمة عليهم الصلاة والسلام من اسم الله

الأعظم و علم الكتاب» با سند صحیح از امام باقر علیه السلام نقل می کند به این که مصداق این آیه ما اهل بیت

هستیم:

«حدثنا محمد بن الحسين و يعقوب بن يزيد عن ابن أبي عمير عن بريد بن معاوية قال قلت لأبي جعفر

عليه السلام قل كفى بالله شهيدا بيني وبينكم و من عنده علم الكتاب قال إيانا عنى و على أولنا و أفضلنا و خيرنا

بعد النبى صلى الله عليه وآله»<sup>48</sup>

«بريد بن معاوية گفته است : به امام باقر عليه السلام آيه ي « بگو خدا و كسى كه علم كتاب نزد اوست،

برای گواهی میان من و شما كافی است» را عرض كردم ، فرمود : مقصود ما اهل بيت هستيم و على بعد از پيغمبر

صلى الله عليه و آله اول ما و افضل ما و بهتر ما خاندان است.»

# أصول الكافي

لثقة الإسلام

محمد بن يعقوب الكليني

المتوفى سنة ٣٢٨ - ٣٢٩ هـ

٢-١

دارالترقيت  
بيروت

١٦٥

مكتاب التحفة

٩٢ - باب أنه لم يجمع القرآن كله إلا الأئمة عليهم السلام وأنهم ينلمون علمه كله

١ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ ابْنِ مَرْيَمَ، عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْقَدَامِ عَنْ جَابِرِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: مَا أَدْعَى أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ أَنَّهُ جَمَعَ الْقُرْآنَ كُلَّهُ كَمَا أَنْزَلَ إِلَّا كَذَابٌ،

بَيِّنُوا عَلَيْهِ السَّلَامُ.

٢ - مُحَمَّدُ الْمُتَعَلِّي، عَنْ كَلْبِ ظَاهِرِهِ وَ

٣ - عَلِيُّ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ

أَرَادَ اللَّهُ يَقُولُ ثُمَّ قَالَ: وَلَوْ

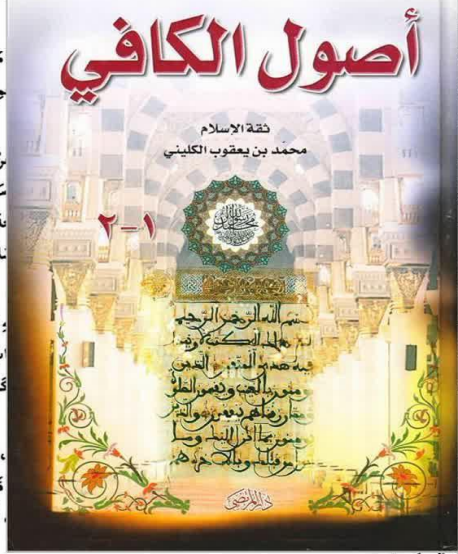
٤ - مُحَمَّدُ عَنْ عُبَيْدِ الْأَعْمَى

أَدْوَلِي إِلَى آخِرِهِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ

٥ - مُحَمَّدُ الرَّحْمَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ

عَنْ أَبِي إِسْرَائِيلَ، عَنْ أَبِيهِ، وَمُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ، عَمَّنْ ذَكَرَهُ جَمِيعاً

عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنِ ابْنِ أَبِي عَتَابَةَ، عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «قَدْ كُنْتُ بِأَنَّكَ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ؟» (الرمذ: ٤٣) قَالَ: «إِيَّانَا عَنِ، وَعَلَى أَوْلَانَا وَأَفْضَلِنَا وَخَيْرِنَا بَعْدَ النَّبِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ.»



<sup>48</sup>. صفار قمى، بصائر الدرجات، ج ١، ص ٢١٥ - الكافي (ط - الاسلاميه)، ج ١، ص ٢٢٩ - تفسير العياشى، ج ٢، ص ٢٢٠

## روایت سوم:

شیخ صدوق در کتاب امالی با سند صحیح از پیامبر صلی علیه وآله نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمودند :

«حدثنا محمد بن موسى بن المتوكل قال : حدثنا محمد بن يحيى العطار ، قال : حدثنا أحمد بن محمد بن عيسى ، عن القاسم بن يحيى ، عن جده الحسن بن راشد ، عن عمرو بن مغلس ، عن خلف ، عن عطية العوفي ، عن أبي سعيد الخدري ، قال : سألت رسول الله صلى الله عليه وآله عن قول الله : قال الذي عنده علم من الكتاب . قال : ذاك وصي أخي سليمان بن داود . فقلت له : يا رسول الله ، فقول الله عز وجل : قل كفى بالله شهيدا بيني وبينكم و من عنده علم الكتاب ، قال : ذاك أخي علي بن أبي طالب.»<sup>49</sup>

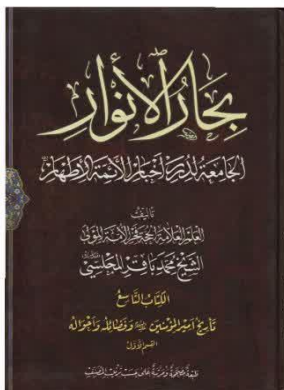
«ابی سعید خدری گفته است : از رسول خدا راجع به آیه «و من عنده علم الكتاب» سؤال کردم ، فرمود : کسی که علمی از کتاب در نزد او است آن کس وصی برادرم سلیمان بن داود است. گفتم یا رسول الله قول خداوند عزوجل : «قل كفى بالله شهيدا بيني وبينكم و من عنده علم الكتاب» فرمودند : آن کس برادرم علی بن ابی طالب است.»

---

<sup>49</sup>. الأمالی ، ناشر: کتابچی ، الشيخ الصدوق ، ص ۵۶۵

باب ۲۳

أنه هو الإمام المبين



۱-فس: [تفسير القمي] «وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْضَيْتُهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ»  
 عن أمير المؤمنين عليه السلام أنه قال أنا والله الإمام المبين أمين الحق  
 ۲-مع: [معاني الأخبار] أحمد بن محمد بن الصقر عن عيسى  
 الحسين بن عبد الواحد عن الحارث بن الحسن عن أحمد بن إسحاق  
 بن علي الباقر عن أبيه عن جده عليه السلام قال لما نزلت هذه الآية على ربي  
 قام أبو بكر وعمر من مجلسهما فقالا يا رسول الله هو التوراة قال  
 فأقبل أمير المؤمنين عليه السلام فقال رسول الله صلى الله عليه وآله هو هذا إنه الإمام الذي  
 قال الصدوق رضوان الله عليه سألت أبا بشر اللغوي بمدينة  
 هو المتقدم بالناس والإمام هو المظهر وهو الترتيب الذي يبنى  
 الضرب ليؤخذ عليه العيار والإمام هو الخيط الذي يجمع حباه  
 الإمام هو السهم الذي يجعل مثالا يعمل عليه السهام<sup>(۱)</sup>  
 ۳-ج: [الإحتجاج] في خطبة الغدير معاشر الناس ما من علم إلا  
 في المتقين من ولده وما من علم إلا وقد علمته عليا وهو الإمام  
 بيان: ذهب المفسرون إلى أن المراد بالإمام  
 الخبر هو المتقدم.

باب ۲۴

أنه الذي عنده علم الكتاب

۱-لي: [الأمالي للصدوق] ابن المتوكل عن محمد العطار عن ابن عيسى عن القاسم عن جده عن عمرو بن مغلس  
 عن خلف بن عطية العوفي<sup>(۱)</sup> عن أبي سعيد الخدري قال سألت رسول الله صلى الله عليه وآله عن قول الله جل ثناؤه «فَقَالَ الَّذِي  
 عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ»<sup>(۲)</sup> قال ذلك وصي أخي سليمان بن داود فقلت له يا رسول الله فقول الله عز وجل «فَقُلْ كَفَى  
 بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ»<sup>(۳)</sup> قال ذلك أخي علي بن أبي طالب عليه السلام<sup>(۴)</sup>  
 ۲-فس: [تفسير القمي] أبي عن ابن أبي عمير عن ابن أذينة عن أبي عبد الله عليه السلام قال الذي عنده علم الكتاب هو  
 أمير المؤمنين عليه السلام وسئل عن الذي عنده علم من الكتاب أعلم أم الذي عنده علم الكتاب فقال ما كان علم الذي عنده  
 علم من الكتاب عند الذي عنده علم الكتاب إلا بقدر ما يأخذ بعوضه بجناحها من ماء البحر<sup>(۵)</sup>  
 ۳-ج: [الإحتجاج] ابن أبي عمير عن عبد الله بن الوليد السمان قال قال أبو عبد الله عليه السلام ما يقول الناس في أولي  
 العزم و أصحابكم أمير المؤمنين قال قلت ما يقدمون على أولي العزم أحدا قال قال أبو عبد الله عليه السلام إنه الله تبارك و

(۱) يس: ۱۲.  
 (۲) تفسير القمي ۴: ۱۸۷، وفيه: وروته من رسول الله صلى الله عليه وآله وهو محكم.  
 (۳) الترتيب الاصل: «لسان العرب ۲: ۲۷۷».  
 (۴) في المصدر: عن عطية العوفي.  
 (۵) الترتيب ۴۰.  
 (۶) أمالي الصدوق: ۱۵۳، ج ۳، ح ۸۲.  
 (۷) تفسير القمي ۱: ۳۸۱، وفيه: إلا بقدر ما تأخذ العوضه.

روایت چهارم:

شیخ کلینی در الکافی ذیل باب «باب نادر فيه ذكر الغيب» روایتی را ذکر کرده است:

«فَقَالَ يَا سَدِيرُ أَلَمْ تَقْرَأَ الْقُرْآنَ قُلْتُ بَلَى قَالَ فَهَلْ وَجَدْتَ فِيهَا قَرَأْتَ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - قَالَ الَّذِي

عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا أَتَيْكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَدْ قَرَأْتَهُ قَالَ فَهَلْ عَرَفْتَ الرَّجُلَ

وَهَلْ عَلِمْتَ مَا كَانَ عِنْدَهُ مِنْ عِلْمِ الْكِتَابِ قَالَ قُلْتُ أَخْبِرْنِي بِهِ قَالَ قَدَّرَ قَطْرَةً مِنَ الْمَاءِ فِي الْبَحْرِ الْأَخْضَرِ فَمَا يَكُونُ

ذَلِكَ مِنْ عِلْمِ الْكِتَابِ - قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا أَقَلَّ هَذَا فَقَالَ يَا سَدِيرُ مَا أَكْثَرَ هَذَا أَنْ يُنْسَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيَّ



الْعِلْمُ الَّذِي أُخْبِرَكَ بِهِ يَا سَدِيرُ فَهَلْ وَجَدْتَ فِيهَا قَرَأْتَ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَيْضاً- قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ قَالَ قُلْتُ قَدْ قَرَأْتُهُ جَعَلْتُ فِدَاكَ قَالَ أَمْ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ كُلُّهُ أَفَهُمْ أَمْ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ بَعْضُهُ قُلْتُ لَا بَلْ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ كُلُّهُ قَالَ فَأَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى صَدْرِهِ وَقَالَ عِلْمُ الْكِتَابِ وَاللَّهِ كُلُّهُ عِنْدَنَا عِلْمُ الْكِتَابِ وَاللَّهِ كُلُّهُ عِنْدَنَا.»<sup>50</sup>

«ای سدیر! آیا کسی که همه علم کتاب نزد او باشد با فهم تر است یا کسی که بعضی از کتاب نزد او باشد؟»

جواب دادم: نه، بلکه کسی که همه کتاب نزد او است. آن گاه حضرت با دست اشاره به سینه اش نمود و فرمود:

به خدا قسم همه علم کتاب نزد ماست، به خدا قسم همه علم کتاب نزد ماست.»

### روایت پنجم:

عیاشی نیز در تفسیرش روایتی را از امام باقر علیه السلام نقل می کند:

«عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَجَلَانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِهِ «قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ-

وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» فَقَالَ: نَزَلَتْ فِي عَلِيٍّ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ فِي الْأَيْمَةِ بَعْدَهُ وَ عَلِيٍّ عِنْدَهُ

عِلْمُ الْكِتَابِ»<sup>51</sup>

<sup>50</sup>. الكافي (ط - الإسلامية)، ج ١، ص ٢٥٧

<sup>51</sup>. تفسیر العیاشی، ج ٢، ص ٢٢١

«عبدالله بن عجلان گوید: از امام باقر علیه السلام درباره آیه «قُلْ كَفَى بِاللّٰهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» پرسیدم. ایشان فرمود: درباره علی علیه السلام پس از رسول خدا و نیز پس از او درباره ائمه علیه السلام نازل شده است و علی علیه السلام علم به کتاب داشت.»

### روایت ششم:

امین الاسلام طبرسی در مجمع البیان ذیل آیه شریفه، حضرت امیرالمومنین علیه السلام را مراد از این آیه دانسته و برای تأیید این مدعا، روایاتی را از ابن کثیر، شعبی و دیگران نقل کرده که حضرت را آگاه به اسرار تمام قرآن و اعلم انسان‌ها معرفی می‌نمایند.

«روی عنه عبدالله بن کثیر أنه وضع يده على صدره ثم قال عندنا والله علم الكتاب كمالاً... و يؤيد ذلك ما روى عن الشعبي أنه قال ما أحد أعلم بكتاب الله بعد النبي من علي بن أبي طالب عليه السلام و من الصالحين من أولاده»<sup>52</sup>

«عبد الله بن کثیر روایت کرده است که امام صادق علیه السلام دست بر سینه گذاشت و فرمود: به خدا علم کتاب به طور کامل پیش ماست. مؤید مدعا روایتی است از شعبی که گفت: بعد از پیامبر گرامی اسلام، احدی به کتاب خدا عالم‌تر از علی و اولاد صالحش نیستند.»

---

<sup>52</sup>. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۴۶۲

## روایت هفتم:

فیض کاشانی ذیل آیه ، به روایات رسیده از امامان شیعه در تفسیر آن، اشاره کرده و از جمله روایتی را از کتاب الاحتجاج طبرسی ذکر کرده است:

«و فی الإحتجاج: سأل رجل علی بن أبی طالب صلوات الله علیه عن أفضل منقبة له فقرأ الآية و قال إیای عنی بـ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ.»<sup>53</sup>

«شخصی از امام علی علیه السلام از برترین منقبتش پرسید ، ایشان این آیه را خواند و فرمود: «و مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» ، من را منظور داشته است»

## روایت هشتم:

سلیم بن قیس هلالی در کتابش گفتگوی جالب بین قیس بن سعد بن عباده با معاویه (که معاویه ادعا می کند آیه درباره عبدالله بن سلام نازل شده است و سعد می گوید: آیه درباره علی بن ابی طالب نازل شده است) را اینگونه ذکر کرده است:

«فقال قیس.... عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَالِمٌ هَذِهِ الْأُمَّةِ [و دِيَانُهَا] وَ صِدِّيقُهَا [و فَارُوقُهَا] الَّذِي أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ [مَا أَنْزَلَ وَ هُوَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ] قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ فَلَمْ يَدْعُ قَيْسٌ آيَةَ نَزَلَتْ فِي عَلِيٍّ إِلَّا ذَكَرَهَا فَقَالَ مُعَاوِيَةُ فَإِنَّ صَدِّيقَهَا أَبُو بَكْرٍ وَ فَارُوقُهَا عُمَرُ وَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سَلَامٍ قَالَ

<sup>53</sup>. فیض کاشانی ، تفسیر الصافی، ج ۳، ص ۷۷

قَيْسٌ أَحَقُّ بِهَذِهِ الْأَسْمَاءِ وَأَوْلَىٰ بِهَا الَّذِي أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ - أَمْ مَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْتِهِ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ [وَالَّذِي أَنْزَلَ اللَّهُ جَلَّ اسْمُهُ فِيهِ إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ وَاللَّهُ لَقَدْ نَزَّلَتْ وَعَلَىٰ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ فَاسْقَطْتُمْ ذَلِكَ] وَالَّذِي نَصَبَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص بَعْدِي خُمَّ فَقَالَ مَنْ كُنْتُ أَوْلَىٰ بِهِ مِنْ نَفْسِهِ فَعَلِيَ أَوْلَىٰ بِهِ مِنْ نَفْسِهِ وَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ فِي غَزْوَةِ تَبُوكَ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَىٰ إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَكَانَ مُعَاوِيَةُ يُؤَمِّدُ بِالْمَدِينَةِ فَعِنْدَ ذَلِكَ نَادَىٰ مُنَادِيَهُ وَكَتَبَ بِذَلِكَ نُسخَةً [إِلَىٰ جَمِيعِ الْبُلْدَانِ] إِلَىٰ عُمَالِهِ إِلَّا بَرَّتِ الدِّمَّةُ مِمَّنْ رَوَىٰ حَدِيثًا فِي مَنَاقِبِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَوْ فَضَائِلِ أَهْلِ بَيْتِهِ [وَقَدْ أَحَلَّ بِنَفْسِهِ الْعُقُوبَةَ] وَقَامَتِ الْخُطَبَاءُ فِي كُلِّ كُورَةٍ [وَأَمَّا مَكَانٌ] وَعَلَىٰ كُلِّ الْمَنَابِرِ بَلَعْنَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَ وَالْبَرَاءَةَ مِنْهُ وَالْوَقِيْعَةَ فِيهِ وَفِي أَهْلِ بَيْتِهِ عَ وَاللَّعْنَةَ لَهُمْ [بِمَا لَيْسَ فِيهِمْ]»<sup>٥٤</sup>

«وقتی معاویه بن ابی سفیان با قیس بن سعد بن عباده در مدینه رو به رو شد قیس گفت: «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمٌ

الْكِتَابِ» امام علی علیه السلام است. معاویه در پاسخ گفت عبدالله بن سلام است. قیس گفت مراد امام علی علیه السلام است و سپس آیاتی را از قرآن قرائت کرد: مانند «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» و «أَمْ مَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْتِهِ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ» و گفت: مراد از هادی در آیه اول و شاهد در آیه دوم، امام علی علیه السلام است؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه وآله او را در روز غدیر به خلافت نصب کرد و فرمود: «هر که من مولای اویم، پس علی نیز مولای اوست» و همچنین فرمود: «ای علی! تو نسبت به من مانند هارون نسبت به موسی هستی الا اینکه بعد از من پیامبری نخواهد بود» معاویه در جواب قیس ساکت شد و نتوانست کلام قیس را انکار کند.»

<sup>54</sup>. کتاب سلیم بن قیس، ج ۲، ص ۷۸۱

## روایت نهم:

«عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ الْكُوفِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْوَلِيدِ السَّمَّانِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: مَا يَقُولُ النَّاسُ فِي أَوْلَى الْعَزْمِ وَصَاحِبِكُمْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ قُلْتُ مَا يَقْدُمُونَ عَلَيَّ أَوْلَى الْعَزْمِ أَحَدًا قَالَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَالَ لِمُوسَى " وَكُتِبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَابِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةٌ " وَلَمْ يَقُلْ كُلَّ شَيْءٍ مَوْعِظَةٌ وَقَالَ لِعِيسَى " وَلَا يُبَيِّنَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ " وَلَمْ يَقُلْ كُلَّ شَيْءٍ وَقَالَ لِصَاحِبِكُمْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع " قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ " وَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ " وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ " وَعِلْمٌ هَذَا الْكِتَابِ عِنْدَهُ. »<sup>55</sup>

«امام صادق علیه السلام به عبدالله بن ولید فرمود: مردم در مورد پیامبر اولوالعزم و امیرالمؤمنین چه می‌گویند؟» عرض کردم: هیچ کس را بر پیامبران اولوالعزم مقدم نمی‌کنند. حضرت فرمود: خداوند تبارک و تعالی درباره موسی علیه السلام فرموده «و برای او در آن لوح‌ها از هر چیز یک موعظه ای نوشتیم - اعراف / ۱۴۵» و فرمود: تمامی موعظه‌ها را و در مورد عیسی علیه السلام فرموده: «عیسی گفت: تا برخی از آنچه را که درباره آن اختلاف می‌کنید برایتان بیان کنم - زخرف / ۶۳» و فرمود همه آن را، و درباره امامتان امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده: «بگو خدا و کسی که تمامی علم کتاب نزد اوست میان من و شما برای گواهی کافیت.» - رعد / ۴۳» و خداوند [درباره آن کتاب] فرموده: «هیچ تر و خشکی نیست مگر آنکه در کتابی است روشن - انعام / ۵۹»، و علم و دانش این کتاب (با این عظمت) نزد علی علیه السلام است»

<sup>55</sup>. الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)، ج ۲، ص ۳۷۵

## روایاتی از کتب اهل سنت در تفسیر آیه:

### روایت اول:

ثعلبی در این که منظور از « من عنده علم الكتاب » کیست روایتی را از امام باقر علیه السلام ذکر می کند که منظور از این آیه امیر المومنین علیه السلام می باشد ، او در این باره می نویسد :

«حدثني بن عبد الله ابن عطاء قال: كنت جالسا مع أبي جعفر في المسجد فرأيت ابن عبد الله بن سلام جالسا في ناحية فقلت لأبي جعفر: زعموا أن الذي عنده علم الكتاب عبد الله بن سلام. فقال: إنما ذلك علي بن أبي طالب عليه السلام عنده علم الكتاب»<sup>56</sup>

«ابن عطاء می گوید: همراه ابوجعفر (امام باقر) در مسجد نشسته بودم و پسر عبدالله بن سلام را دیدم که در گوشه ای نشسته بود. به ابوجعفر گفتم مردم گمان دارند کسی که علم کتاب دارد عبدالله بن سلام است. وی گفت: کسی که علم کتاب در نزد او است ، علی بن ابی طالب علیه السلام است.»

### روایت دوم:

ثعلبی در روایت دیگری از ابن حنفيه نقل می کند که او گفته است:

«عن ابن الحنيفة: وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ قَالَ: هُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (رضى الله عنه)»<sup>57</sup>

<sup>56</sup>. ثعلبی نیشابوری، احمد بن ابراهیم، الكشف و البيان عن تفسير القرآن، دار إحياء التراث العربی، ج ۵ ، ص ۳۰۳

<sup>57</sup>. همان

## روایت سوم:

حاکم حسکانی از طریق ابن عباس و محمد حنفیه روایتی را نقل می کند که آیه ی مزبور «من عنده علم

الكتاب» درباره امیر المومنین علیه السلام نازل شده است. او در این باره می نویسد :

«عن ابن عباس فی قوله تعالی: مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ قَالَ هُوَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ.....»

عن ابن الحنفیه فی قوله تعالی: مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ قَالَ: هُوَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ.<sup>58</sup>

«از ابن عباس و ابن حنفیه راجع به آیه مزبور سوال شد گفت : کسی که علم کتاب در نزد او است علی بن

ابی طالب علیه السلام می باشد.»

۳۰۸ — شواهد التنزیل — ج ۱

[ أخبرنا ] أبو أحمد الجلودی قال : حدثني محمد بن سهل ( حدثنا ) زيد ابن إسماعیل ( حدثنا ) داود بن المهبر ( حدثنا ) أبو عوانة، عن أبي بشر، عن سعيد بن جبیر :

عن ابن عباس فی قوله تعالی : « ومن عنده علم الكتاب » قال : علي ابن أبي طالب .

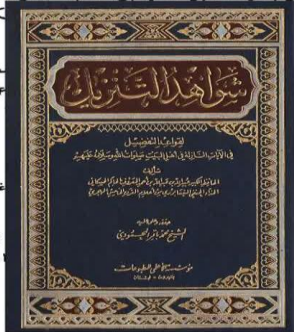
۴۲۴ — وأخبرونا عن أبي بكر عبد الله بن محمد بن منصور بن الجندی الرازی ( أخبرنا ) محمد بن الحسن بن اسكاف ( أخبرنا ) احمد بن مفضل ( أخبرنا ) مندل بن علي عن إسماعیل بن سلیمان <sup>(۱)</sup>

عن أبي عمر زاذان « عن ابن الحنفية ( في قوله تعالی ) : « ومن عنده علم الكتاب » قال : هو علي بن أبي طالب .

۴۲۵ — أخبرونا عن أبي بكر محمد بن الحسن بن صالح السمری قال : حدثني الحسين بن إبراهيم الجبیری ( حدثني ) سعيد بن جندب عن عبد الله بن عطاء فرأيت ابناً لعبد الله بن سلام ( ان ) أبا هذا عنده علم الكتاب ذلك علي بن أبي طالب .

( ۱ ) وهذا رواه الثعلبی فی تفهيم الرام ص ۳۰۷ وفي السند اختلاف

( ۲ ) هذا هو الصواب ، وفي الكلام فی الحديث : ( ۲۳ ) من نقل عنه هنا - :



شواهد التنزيل  
لقواعيد الفضيل  
في الآيات الكريمة التي فيها نزلت آيات القرآن الكريم

تأليف  
المفتي الكبير عبد الله بن محمد بن صالح السمری في  
الجزء الثاني من مؤلفه في تفسير القرآن في سبأ الجبیری

مقدمه  
شیخ محمد باقر الخميني

مشتورات  
مؤسسة الأمل للطبوعات  
بغداد - لبنان

<sup>58</sup>. شواهد التنزیل ، الحاکم حسکانی ، ج ۱ ، ص ۴۰۲

## روایت چهارم:

حاکم حسکانی از ابوصالح نقل می کند که گوید:

«عَنِ الْأَعْمَشِ عَنْ أَبِي صَالِحٍ [فِي قَوْلِهِ تَعَالَى]: وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ كَانَ عَالِمًا  
بِالتَّفْسِيرِ وَ التَّوْبِيلِ وَ النَّاسِخِ وَ الْمُنْسُوخِ وَ الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ. قَالَ أَبُو صَالِحٍ: سَمِعْتُ ابْنَ عَبَّاسٍ مَرَّةً يَقُولُ: هُوَ عَبْدُ  
اللَّهِ بْنِ سَلَامٍ وَ سَمِعْتُهُ فِي آخِرِ عُمُرِهِ يَقُولُ: لَا وَ اللَّهِ مَا هُوَ إِلَّا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ.»<sup>59</sup>

«ابوصالح می گوید: یک زمانی از ابن عباس شنیدم که می گفت: مقصود آیه عبدالله بن سلام است، اما

در آخر عمرش از او شنیدم که می گفت: به خدا قسم نه، او کسی جز علی بن ابی طالب نیست.»

## روایت پنجم:

سلیمان قندوزی از سعید خدری در تفسیر آیه «من عنده علم الكتاب» روایتی را نقل می کند که مراد از

این آیه علی علیه السلام بوده است. وی در این باره می نویسد:

«عن عطية العوفي عن أبي سعيد الخدري رضي الله عنه قال: سألت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم  
عن هذه الآية «الذين عنده علم من الكتاب» قال: ذاك أخي سليمان بن داود عليهما السلام و سألته عن قوله  
الله عز وجل «قل كفى بالله شهيدا بيني وبينكم ومن عنده علم الكتاب» قال: ذاك أخي علي بن أبي طالب  
صاحب المناقب.»<sup>60</sup>

<sup>59</sup>. همان، ص ۴۰۵

<sup>60</sup>. ينابيع المودة، القندوزی، ج ۱، ص ۳۰۷



«ابی سعید خدری گوید از رسول خدا راجع به آیه «عنده علم من الكتاب» سؤال کردم، فرمود: او وصی برادرم سلیمان بن داود بوده است. از ایشان راجع به آیه «قل کفی بالله شهیدا بینی و بینکم ومن عنده علم الكتاب» پرسیدم، فرمود: مقصود از آن برادرم علی بن ابی طالب است.»

### روایت ششم:

قندوزی همچنین روایتی را که از طریق متعدد آمده نقل می کند:

«روی عن محمد بن مسلم و أبي حمزة الشمالي و جابر بن يزيد عن الباقر عليه السلام و روی علی بن فضال و الفضیل عن الرضا عليه السلام، و قد روی عن موسى بن جعفر، و عن زيد بن علی عليه السلام، و عن محمد بن الحنفية، و عن سلمان الفارسی، و عن أبي سعید الخدری و إسماعیل السدی أنهم قالوا ف [قوله تعالى: « قل کفی بالله شهیدا بینی و بینکم ومن عنده علم الكتاب » هو علي بن أبي طالب عليه السلام.]»<sup>61</sup>

---

<sup>61</sup>. همان

## شواهد و قرائن در تایید دیدگاه شیعه:

علاوه بر آنچه گذشت ، روایاتی دیگری نیز درباره جایگاه علمی امام علی علیه السلام در منابع روایی اهل سنت وجود دارد و به عنوان شواهد و مویدات این مطلب که مصداق قطعی «و من عنده علم الكتاب» امیر المومنین علیه السلام بوده ، می باشد که به برخی از این روایات اشاره می گردد:

### الف : حدیث أنا مدینة العلم و علی بابها...

حاکم نیشابوری روایتی را از ابن عباس نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه وآله فرمودند:

«من شهر علم هستم و علی علیه السلام دروازه آن است و هرکسی بخواهد وارد این شهر گردد باید از

دروازه آن وارد گردد.» حاکم تصریح به صحت این روایت نموده و در این باره می نویسد:

«حدثنا أبو العباس محمد بن يعقوب ثنا محمد بن عبد الرحيم الهروي بالرملة ثنا أبو الصلت عبد السلام

بن صالح ثنا أبو معاوية عن الأعمش عن مجاهد عن بن عباس رضی الله عنهما قال قال رسول الله صلی الله

عليه وآله: «أنا مدينة العلم و علی بابها فمن أراد المدينة فليأت الباب». هذا حديث صحيح الإسناد ولم يخرجاه

و أبو الصلت ثقة مأمون...»<sup>62</sup>

این حدیثی صحیح الاسناد است اما بخاری و مسلم آن را در کتب روایی خود نیاورده اند در صورتی که

ابا صلت هروی ثقه و مأمون از کذب بوده است.

<sup>62</sup>. المستدرک علی الصحیحین ، دار الکتب العلمیة ، بیروت ، ج ۳ ص ۱۲۶ ، الطبعة : الأولى ، تحقیق : مصطفی عبد القادر عطا

عبد البر می نویسد: «عمر بن خطاب گفته است که علی علیه السلام از همه صحابه در مقام داوری آگاه و داناتر است.»

«قال عمر بن الخطاب: علي أفضانا...»<sup>۶۳</sup>

### ب : حدیث سلونی عن کتاب الله تعالی

بلاذری روایتی را از علی علیه السلام نقل می کند که حضرت فرمودند:

«سلونی عن کتاب الله تعالی فوالله ما من آية إلا وأنا أعلم أبليل نزلت أم بنهار أفي سهل أو في جبل»<sup>۶۴</sup>

«از کتاب خدا از من سوال کنید. قسم به خدا که هیچ آیه ای وجود ندارد که من آگاهی به آن نداشته باشم

چه در شب نازل شده باشد و چه در روز، چه در کوه نازل شده باشد و چه در سطح»

یحیی بن معین می نویسد:

«حدثنا يحيى قال حدثنا سفیان بن عيينة عن يحيى بن سعيد عن سعيد بن المسيب قال ما كان في أصحاب

النبي صلى الله عليه وسلم أحد يقول سلونی غير علي بن أبي طالب»<sup>۶۵</sup>

«هیچ کسی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه آله نبوده که بگوید: از من پرسید به جز علی علیه السلام

«

<sup>63</sup>. الاستيعاب في معرفة الأصحاب، ج ۳، ص ۱۱۰۲، دار الجیل، بیروت، الطبعة: الأولى، تحقیق: علی محمد البجاوی

<sup>64</sup>. انساب الاشراف، ج ۲، ص ۹۹

. تاریخ ابن معین «روایة الدورى»، ج ۳، ص ۱۴۳، مرکز البحث العلمی و إحياء التراث الإسلامی - أحمد بن حنبل، فضائل الصحابة، ج ۲،

<sup>65</sup> ص ۶۴۶، مؤسسة الرسالة

### ج: حدیث علی مع القرآن و القرآن مع علی:

حاکم نیشابوری در کتاب مستدرک روایات متعددی درباره علم علی علیه السلام به قرآن نقل کرده است.

از جمله این روایت را:

«سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «عَلِيٌّ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ لَنْ يَتَفَرَّقَا حَتَّى يَرِدَا عَلِيَّ

الْحَوْضَ» هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ الْإِسْنَادِ وَأَبُو سَعِيدٍ التَّمِيمِيُّ هُوَ عَقِيصَاءُ ثِقَّةٌ مَأْمُونٌ، وَلَمْ يَخْرُجَاهُ»<sup>66</sup>

« ام سلمه گوید: از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله شنیدم که می فرمود: «علی با قرآن است و قرآن با

علی. آن دو از یکدیگر جدا نخواهند شد، تا آنکه در حوض بر من وارد شوند.»

ذهبی نیز در تعلیقات خود بر این کتاب، حکم به صحت این حدیث کرده است.

---

<sup>66</sup>. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۳۴

## نتیجه گیری:

از مجموع مطالبی که گفته شد می توان چنین استنباط کرد که سوره رعد سوره ای مکی است و کتاب در آیه مورد بحث، به معنای قرآن است و اضافه علم به کتاب، به معنای علم به تمام قرآن است و کسی از اصحاب پیامبر را به ویژه در دوران رسالت ایشان در مکه جز علی بن ابی طالب نمی شناسیم که علم به تمام حقایق قرآن داشته باشد و بدین جهت صلاحیت آن را داشته باشد که پس از خداوند متعال به عنوان شاهدی بر نبوت پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله باشد.

## منابع:

- ۱- بشیری ، مجید ، مصلائی پور ، عباس ، مقاله تفسیر تطبیقی آیه پایانی سوره رعد ، فصلنامه علمی ترویجی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی / سال دهم / دوره جدید / شماره ۴۰ / تابستان ۱۳۹۴ / ص ۲۶ - ۴۱
- ۲- شفیعی دارابی ، حسین ، احمدی اطهر ، عشرت بتول ، مقاله نقد و بررسی دیدگاه مفسران اهل سنت در مراد از «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» ، فصلنامه تخصصی تحقیقات قرآنی و حدیثی / سال اول / شماره دوم / پاییز و زمستان ۱۳۹۸ / ص ۲۱ - ۳۷
- ۳- سایت موعود ، مقاله خلافت امام علی علیه السلام در آیه «علم الكتاب»
- ۴- موسسه تحقیقاتی حضرت ولیعصر (عج) ، مقاله «من عنده علم الكتاب»
- ۵- نصیری ، علی ، نصیری ، محمد حسین ، مقاله مصداق شناسی آیه «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» ، فصلنامه امامت پژوهی / سال سوم ، شماره ۱۱ / ص ۹ - ۳۷
- ۶- نصیری ، محمد حسین ، پایان نامه گستره علم امام از دیدگاه آیات و روایات ، پایان نامه کارشناسی ارشد / گروه : مدرسی معارف اسلامی / ۱۳۹۲ ش